«جستارهایی در اقتصاد انیمیشن» منتشر شد

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان «جستارهایی در اقتصاد انیمیشن» را در قالب مجموعه «کتاب‌های پژوهشی» کانون از سوی فاطمه حسینی‌شکیب برای گروه سنی «اولیا، مربیان و پژوهشگران» گردآوری و تدوین کرده است. روابط عمومی کانون خبر داده که این کتاب در دو بخش «درس‌هایی برای اقتصاد انیمیشن ایران» و «جستارهایی در اقتصاد انیمیشن» به همراه یادداشتی از محمدرضا کریمی‌صارمی، دبیر ۱۱ دوره جشنواره پویانمایی تهران منتشر شده است.

«پرواز بر فراز آشیانه فاخته» با صدای پارسا پیروزفر

پارسا پیروزفر فیلم سینمایی «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» ساخته میلوش فورمن را برای نابینایان توضیح‌دار کرد. روابط عمومی سوینا خبر داده که این فیلم امشب ۲۶ فروردین ساعت ۱۹ از رادیو سوینا پخش می‌شود و پس از آن، روی سایت سوینا در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به نشانی www.sevinagroup.com به فایل صوتی فیلم‌های سینمایی توضیح‌دار دسترسی داشته باشند.

با مجله فیلم را دارد، صاحب امتیاز، مدیرمسؤول و سردبیر این مجله بود. نگاه به وجه صنعتی سینما، در کنار توجه به وجه هنری فیلم‌ها، از ویژگی‌های قابل اشاره صنعت سینما بود. این مجله در هر شماره، در قالب گفت‌وگو یا یادداشت، بخش‌های مختلف یک فیلم اکران (همچون کارگردانی، بازیگری، فیلمنامه‌نویسی، فیلمبرداری و...) را به‌صورت جداگانه بررسی می‌کرد.

صنعت سینما پس از ۱۴ سال در فروردین سال ۹۵ به انتشار خود پایان داد. نکته جالب و غم‌انگیز این بود که این شماره، به کمدین‌های کلاسیک اختصاص داشت و عکسی غمگین از لورل و هاردی روی آن خودنمایی می‌کرد. جعفری‌نژاد در شکسته نفسی احتمالی و در آخرین سرمقاله صنعت سینما، درباره پایان انتشار مجله می‌نویسد: «به صراحت و با شجاعت اعلام می‌کنم این، مجله‌ای نیست که من در آغاز می‌پنداشتم. این میزان بی‌تأثیری، غایت هدف من نبود.»

سینما و ادبیات

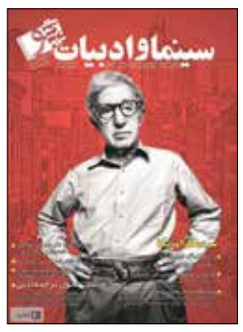

۱۶ سال با ۷۸ شماره! هرچند که حدود یک سالی است که دیگر چاپ نمی‌شود اما برای نشریه‌ای که محور تألیفات خود را سینما و ادبیات قرار داده انصافا همین هم سن کمی نیست. آن هم اگر خواننده نشریات سینمایی بوده باشید و بدانید که غالب آنها یا به‌دلیل سبک پاپ و مردم‌پسند عرضه اطلاعات سینمایی یا دست‌کم به علت برخورداری از یک مخاطب قشر خاص، تضمینی برای ادامه چاپ داشته‌اند اما «سینما و ادبیات» خاصیتی علمی و پژوهشی را به رویکرد خود افزوده که در میان همنوعانش، کمیاب است. اما آنچه این نشریه را منحصر به‌فرد می‌کند، پرتره‌هایی است که در هر شماره روی جلد می‌برد و سینمای یک کارگردان را به همین بهانه معرفی و بررسی و تحلیل می‌کند. روحش شاد و یادش گرامی!

فیلم‌نگار

بنیاد سینمایی فارابی از اردیبهشت‌ماه سال ۸۱ تا حالا یکی از قدیمی‌ترین و متشخص‌ترین نشریات سینمایی را منتشر می‌کند. «فیلم‌نگار» ماهنامه‌ای است که ظرف ۱۸ سال به‌طور نسبتا منظم در ۲۰۰ شماره به دست خوانندگان رسیده اما آنچه که کاراکتر این نشریه را شکل می‌دهد، محوریت موضوعی آن یعنی «فیلمنامه‌نویسی» است. این نشریه پایه‌گذار انتشار فیلمنامه‌های فیلم‌های سینمایی خارجی و ایرانی بود و این اتفاق نشان می‌دهد که پایه‌گذاران آن به پرکردن یک خلأ مهم در سینمای ایران نظر داشته‌اند. این خصیصه برای خوانندگان حرفه‌ای و اهالی سینما، خدمت ارزشمندی به حساب می‌آمده و گنجینه‌ای از فیلمنامه‌های مهم را به بازار نشر عرضه کرده‌است.

سوره سینما

موضوع سینما، فصل مشترک همه نشریات سینمایی است اما مانند سایر مسائل، اشتراک موضوع، ضامن وحدت رویکردها نیست. اتفاقا در مورد مسائل مهمی چون سینما که در کشور ما همیشه سرآمد هنرهای مردمی به شمار می‌آمده، محل جدال‌های پرحرارت گفتمانی به‌خصوص در دهه ۶۰ قرار گرفته‌است. «سوره سینما» از قضا برآمده از همین اختلاف رویکردهای گفتمانی است. در دوره‌ای که مجله فیلم، رویکرد سینمای مطلوب دولت وقت با خصایصی نظیر هنری و روشنفکری بودن را نمایندگی می‌کند، سوره سینما، پرچم سینمای عامه‌پسند را بالا می‌برد و برای رسیدن به روایتی متفاوت از سینمای دینی تلاش می‌کند. حضور شهید سیدمرتضی آوینی در مدیریت و سیاستگذاری و نویسندگی این نشریه، آن را منحصر به‌فرد و خواندنی‌تر کرده و سوره سینما را حتی پس از سه دهه، در جایگاه ویژه‌ای از تاریخ مطبوعات سینمایی و البته سینمای ایران بر نشانده‌است.

نقد سینما

همان‌طور که سوره سینما از پایگاه حوزه هنری با ویژگی‌های دهه‌شصتی آن سربرآورد، «نقد سینما» هم در ادامه همان مکتب تلاش کرد رویکردهای گفتمانی طیف خود را مجددا زنده کند. هرچند این ماهنامه از اولین چاپ خود در سال ۱۳۸۰ تاکنون موفق به انتشار تنها ۵۷ شماره پیاپی شده اما نسبت رویکردهای آن با طیف متبوعش را نمی‌شود نادیده گرفت. حالا چندسالی است که با حضور تحریریه جوان و جدید، «نقد سینما» تلاش می‌کند با یک گرافیک جذاب، چهره عامه‌پسندتری به خود بگیرد و با این روند خود را در زمره نشریات پاپ سینما در پیشخوان مطبوعات معرفی کند اما انتشار نامنظم مانع از تثبیت موقعیت این نشریه در میان خوانندگان مطبوعات سینمایی شده و البته این تیم هم از معرفی قلم‌های تثبیت‌شده از تبار و گفتمان خود بازمانده است.

فیلمخانه

عنوان دوم این نشریه جوان و خوش‌سلیقه بیشتر گویای هویت آن است. «فصلنامه تخصصی سینما» از تابستان سال ۹۱ آغاز به کارکرد و برخلاف انتظار، ویژگی‌های ظاهرا متضاد را طوری به‌هم آمیخت که توانست برای دیده شدن از همه آنها به‌خوبی بهره ببرد. قطع کتابی و فاصله فصلی انتشار «فیلمخانه» می‌گفت قرار است خواننده با مطالبی وزین‌تر و طولانی‌تر مواجه شود درحالی که گرافیک شاداب و چاپ رنگی و عکس‌های ناب از فیلم‌ها، هر رهگذر عامی را که از کنار پیشخوان دکه می‌گذشت وامی‌داشت که دستی به این مجله بکشد و آن را تورق کند. حجم بالای ترجمه از منابع کمیاب در ایران باعث می‌شد اطلاعات و تحلیل‌های فیلمخانه مختص به خودش باشد و مشابه آن در بازار دیگری یافت نشود.

هفته‌نامه‌ها و روزنامه‌ها

برخی نشریات تلاش کردند با کوتاه کردن فاصله انتشار مطالب سینمایی خود، موضوع را بیشتر در معرض توجه عموم قرار دهند. هفته‌نامه سینما و دو روزنامه بانی‌فیلم و صبا، از این دست نشریات بودند که از میان آنها، دو مورد اول، عمر بلندی نیافتند و مورد آخر نیز با توسعه دادن موضوعاتش، خود از خطر رست.

عباس یاری، منتقد پیشکسوت و مرد دوست‌داشتنی و همیشه خندان سینما، از ستون‌ها و بنیانگذاران مجله فیلم (حالا باید گفت فیلم سابق) است. او و هوشنگ گلمکانی و مسعود مهرابی، سه‌تفنگدار نقد سینما در ایران بودند و در این میان، حسن‌اخلاق یاری، همواره زبانزد بود و هست و خیلی‌ها از نقد و نگاه مثبت و منصفانه او به نیکی یاد می‌کنند. بنابراین در موضوع نشریات سینمایی در ایران و بررسی روند و میزان تاثیرگذاری آنها، چه کسی بهتر از عباس یاری؟

گفت‌وگو با عباس یاری
درباره راز موفقیت و شکست نشریات سینمایی

فقط به فیلم‌های خوب باج دادیم

نشریات سینمایی ایران از ابتدا تاکنون در مجموع چقدر موفق و موثر عمل کردند؟

اعتقادم این است که نشریات سینمایی ایران، از ابتدا تاکنون - ولو این‌که زرد یا وابسته به گروه تهیه‌کننده‌ها و استودیوها بودند - از آنجا که یک ارتباطی بین مخاطب سینما و خود سینما برقرار می‌کردند و به سهم خود، نقشی در طرح مقوله‌ای به نام سینما داشتند، حضورشان خیلی موثر بود. خیلی از چهره‌های برجسته نقد مثل پرویز دوایی، پرویز نوری، شمیم بهار، منوچهر جوانفر، جمشید اکرمی، رضا سهرابی و... از همان نشریات قدیمی سینما کار خود را شروع کردند. حتی اگر وجه غالب آن نشریات به سمت زرد می‌رفت، ولی مجلات ناچار بودند در جاهایی نگاهی جدی‌تر هم به سینما و به سمت فیلم‌های خوب و چهره‌ها و کارگردان‌های موفق داشته باشند. به نظرم تاثیر نشریات سینمایی ایران از ابتدا تاکنون در مواجهه با مخاطب و تاثیرگذاری در سینما تا حدی خوب بود.

چرا موفقیت نشریات سینمایی در ایران پایدار نیست؟ عمدتا دلایل شکست و پایان کار مجلات و نشریات سینمایی را چه می‌دانید؟

متاسفانه نشریات در این مملکت اعم از سیاسی، اجتماعی، ورزشی و سینمایی گاهی تبدیل به یک نردبان برای مقاصد دیگر می‌شود. خیلی از صاحبان این نشریات میل داشتند از این فضا و نشریات‌شان استفاده کنند، فیلم تهیه کنند، فیلم وارد و توزیع کنند و وارد محافلی شوند، عضو سندیکاهایی شوند و.... گاهی خود اهل سینما به نوعی از این افراد مچ‌گیری می‌کردند و می‌گفتند شما که از فلان فیلم حمایت می‌کنی، مشخص است با فلانی شراکت داری یا با او چلوکباب خوردی و.... یکی از دلایل شکست برخی نشریات سینمایی، همین موارد بود. نکته دیگر این‌که وضعیت اقتصادی خیلی از این نشریات، وابسته به برخی تهیه‌کننده‌ها بود. در این شرایط، گاهی اختلاف و قهر پیش می‌آمد و تهیه‌کننده‌ها به صاحبان نشریات، آگهی نمی‌دادند و تبلیغات و خبررسانی خود را قطع می‌کردند و نشریات را گرفتار بحران می‌کردند. یعنی صاحبان نشریات دنبال یک راه‌حل برای نجات موقعیت تجاری و حفظ نشریه خود نبودند.

در وضعیت فعلی، نشریات سینمایی تا چه حد کارایی و مخاطب دارند؟ آن هم در شرایط تاخت و تاز انبوه شبه‌نقدها و فعالیت منتقدنماها در فضای مجازی.

طبیعتا فضای مجازی به دلیل سهل‌انگاری و به دلیل زردبودن و راحت‌الحلقوم بودن تا حدی به کار نشریات تخصصی سینمایی لطمه زده‌است، اما نشریاتی بودند و هستند که همچنان مخاطب خود را حفظ کردند و خیلی وقت‌ها در نظرات و یادداشت‌ها می‌خوانیم تعداد زیادی از خوانندگان هنوز به خاطر بوی کاغذ، به خاطر این‌که مجله را کنار تختشان می‌گذارند و می‌خوانند، حاضر نیستند نشریات مکتوب را با چیز دیگری عوض کنند. کاری که ما طی ۴۰ سال تلاش کردیم در مجله فیلم انجام دهیم. ادعا می‌کنم در همه این سال‌ها عضو هیچ گروه، دسته، باند و حزبی نبودیم و مستقل بودیم و سعی می‌کردیم کارمان را به سلامت پیش ببریم. ما فقط به فیلم خوب باج دادیم و فیلم‌های خوب را مطرح کردیم. اما متاسفانه در پایان نمی‌دانم چه اتفاقی برای مجله فیلم افتاد. درمجموع وقتی متاسفانه شرایط بلبشو می‌شود و دولت، تحمل نشریات مستقل را ندارد و به شکل‌های مختلف آنها را تعطیل می‌کند و جلوی کارشان را می‌گیرد، فعالیت برای کسانی باز می‌شود که اتفاقا بیشترین لطمه را به فضاهای مختلف می‌زنند، چون آدم‌هایی هستند که هیچ پرنسیپ، سواد، دانش و پس‌زمینه‌ای از نظر کاری ندارند و هرچه به دست‌شان می‌رسد، می‌نویسند.

عباس یاری:
متاسفانه نشریات در این مملکت اعم از سیاسی، اجتماعی، ورزشی و سینمایی گاهی تبدیل به یک نردبان برای مقاصد دیگر می‌شود

ضمایر [او]

بازگشت زاهد

صدرالدین زاهد می‌گوید نمایش «افسانه ببر» را روی صحنه خواهد برد

صدرالدین زاهد از اجرای مجدد نمایش «افسانه ببر» در مجموعه تئاترشهر خبر داده؛ خبری بسیار خوب برای تئاتر رخوتناک این روزها.

زاهد بازیگر، دراماتورژ و کارگردان تئاتر درباره اجرای مجدد نمایش افسانه ببر با خبرگزاری مهر حرف زده. او گفته است: قرار بود نمایش افسانه ببر را اواخر خرداد و بعد از انتخابات اجرا کنم اما با وضعیتی که پیش‌آمده و تعطیلی سالن‌های تئاتر به دلیل وضعیت قرمز تهران نمی‌دانم تکلیف اجرا چه می‌شود و زمان دقیق اجرا کی خواهد بود.

او افزود: ازآنجاکه من در نمایش «دکتر نون» هادی مرزبان نیز در نقش دکتر مصدق بازی می‌کنم، اجرای این نمایش قرار بود در اردیبهشت و قبل از اجرای نمایش من باشد، ازاین‌رو تداخلی در اجراها به وجود نمی‌آمد اما با این شرایط نمی‌دانم اجرای دکتر نون، چگونه و کی خواهد بود. همه برنامه‌ریزی‌های ما به‌هم‌ریخته و فعلا مشخص نیست وضعیت اجراها چگونه است.

زاهد با اشاره به این‌که قرار است در نمایش «طوفان» مصطفی کوشکی نیز به ایفای نقش بپردازد، درباره سالن اجرای نمایش افسانه ببر عنوان کرد: نمایش افسانه‌ببر تک نفره است و برای اجرا به سالن بزرگی احتیاج ندارد درنتیجه ترجیحم این است در سالن چهارسو به صحنه بروم، چون به‌نوعی خودم یکی از چهارنفری بودم که این سالن را بنیان گذاشتند اما اگر این امکان وجود نداشت، سالن سایه هم مناسب اجراست.

این هنرمند تئاتر درباره شکل‌گیری تالار چهارسوی تئاتر شهر توضیح داد: زمانی که سال ۵۴ «گروه بازیگران شهر» کارگاه نمایش ازهم‌پاشیده شد من به همراه آربی آوانسیان، سوسن تسلیمی و فردوس کاویانی گروه تازه‌ای را تشکیل دادیم. آن زمان زیرزمین تئاترشهر که درواقع پارکینگ بود به علت مسائل امنیتی تعطیل‌شده بود که ما پیشنهاد کردیم در آنجا یک سالن تئاتر درست کنند و کنارش هم کارگاه خیاطی و کارگاه دکور بزنند. اسم سالن هم به این شکل انتخاب شد که ما چهار نفر در چهارراه ولیعصر ایستاده بودیم و دنبال اسمی مناسب برای سالن می‌گشتیم که خانم مهین تجدد، پیشنهاد داد چون گروه ما چهار نفره است و سر چهارراه هم ایستاده‌ایم، اسم سالن را هم چهارسو بگذاریم. البته سالن به شکلی ساخته‌شده بود که از هر چهار طرف قابلیت دید داشت و می‌شد به‌عنوان سالنی چهارسویه مورداستفاده قرار گیرد به‌این‌ترتیب سالن تازه تأسیس، چهارسو نام گرفت که اسم بامسمایی بود.

او درباره تغییراتی که نمایش نسبت به اجراهای قبلی خواهد داشت، گفت: من نمایش افسانه ببر را در طول سال‌ها در کشورهای مختلف اجرا کرده‌ام و برای من اجرای نمایش به موقعیت اجرا و شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی آن مقطع زمانی بستگی دارد و بدیهی است که این اجرا شبیه اجرای قبلی نخواهد بود اما استخوان‌بندی و ساختمان کار از آن داریو فو است و من فقط این متن را ترجمه و از آن برای اجرا اقتباس کرده‌ام اما به‌هرحال اصل داستان متعلق به داریو فو است و نمی‌توان در آن تغییر اساسی داد.

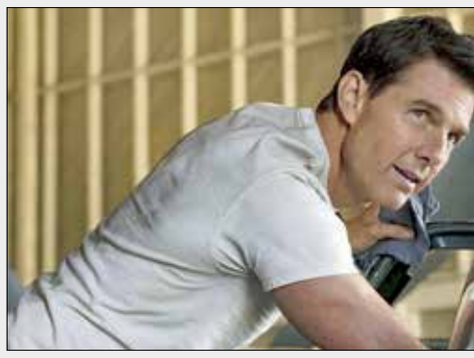

...لی و بزرگ کشورهای دنیا می‌کند تا مستقیما از تماشاگران جهانی ...حمایت از آن را بکند.

...علام شده، سفر تبلیغاتی کروز با برنامه‌های خاصی نیز همراه است. ...شرکت پارامونت توضیحی درباره این برنامه‌های ویژه نداده‌اند. قرار ...نامه جزو سورپرایزهای تاپ گان ۲ باشد. یکی از بازاریاب‌های کهنه‌کار ...ی‌گوید: «تام کروز یکی از معدود ستارگان سینماست که می‌تواند با ...ر نمایش‌های افتتاحیه فیلم‌های سینمایی، توجه عموم را به این ...ب کند و تبلیغات بسیار خوبی برای اکران عمومی‌شان باشد. در شرایطی که کرونا وضعیت نمایش عمومی محصولات سینمایی را در موقعیت بد و بغرنجی قرار داده، اقدام بازیگر می‌تواند کمک بسیار زیاد و بزرگی به بازگشت شکوهمند تماشاگران به سالن‌های نمایش بکند.»

مدیران پارامونت تاریخ نهم نوامبر را برای اکران عمومی تاپ گان ۲ انتخاب کرده‌اند. این تغییر در حالی صورت می‌گیرد که همزمان با آن، مدیران شرکت یونیورسال هم دوباره زمان نمایش عمومی نهمین قسمت اکشن دلهره‌آور «سریع و آتشی» وین دیزل را تغییر دادند. به این ترتیب، با فاصله‌گیری زمان اکران عمومی این دو فیلم مهم، هر دوی آنها فضای تنفسی بیشتری پیدا می‌کنند و می‌توانند شاهد فروش بالاتری در جدول گیشه نمایش سینماها باشند.

اریک وورلد از تحلیلگران سرشناس سینمایی می‌گوید: «فیلم‌هایی مثل تاپ‌گان و بازیگرانی مثل تام کروز اهمیت بسیار زیادی برای صنعت سینما و تماشاگران آن دارند. طبیعی است که اکران عمومی فیلمی از تام کروز در این دوران و شرایط سخت، می‌تواند راه نجاتی برای صنعت سینما و سالن‌های نمایش‌دهنده فیلم‌ها باشد. اما باید موقعیت تهیه‌کنندگان محصولات سینمایی را نیز درک کرد. باز هم طبیعی است که آنها نگران نوع برخورد تماشاگران با فیلم‌هایشان در این شرایط سخت کرونایی باشند و مدام زمان نمایش عمومی محصولاتشان را به عقب بیندازند. با این حال، اقدام کروز و خلق تور تبلیغاتی جهانی برای فیلمش، اقدام مثبتی است که می‌توان انتظار داشت بقیه ستارگان سینما هم از آن پیروی کنند.» / هالیوود ریپورتر

دنگ [موسیقی]

دست‌افشانی برای عطار

دیروز در صفحه ۹ از عطار نیشابوری و روز او نوشتیم و حالا هم عارضیم به خدمت‌تان که قطعه موسیقی «دست‌افشان» همزمان با روز بزرگداشت عطار به آهنگسازی علی عابدین و تنظیم گروه راوی منتشرشده است. خبر را ایسنا داده و افزوده این اثر اولین قطعه رسمی منتشرشده گروه راوی است.

علی عابدین ،آهنگساز این اثر گفت: برای انتخاب روز انتشار قطعه دست‌افشان که رِنگی در آواز بیات ترک و در حوزه موسیقی کلاسیک ایرانی است به‌دنبال تاریخ مناسبی بودیم که بیتی از عطار نیشابوری باعث شد روز بزرگداشت این شاعر پرآوازه را برای انتشار دست‌افشان، فرخنده بدانیم.

او افزود: راوی ابتدا با رویکرد اجرای آثار استادان موسیقی کلاسیک ایرانی با تنظیمی جدید شروع به فعالیت کرد و کنسرت‌هایی از آثار استادانی چون درویش خان، علی‌اکبر شهنازی، عارف قزوینی، فرامرز پایور و پرویز مشکاتیان با تنظیمی که ازسوی اعضای راوی و در جلسات تمرین شکل می‌گرفت را اجرا کرد. در ادامه راه، بحث آهنگسازی در حوزه موسیقی کلاسیک ایرانی هم موردتوجه اعضای گروه قرار گرفت که ملودی قطعه دست‌افشان توسط من ساخته و در تمرینات گروه با همکاری اعضا تنظیم شد.

عابدین تأکید کرد: گروه راوی آثار دیگری را در دست تولید دارد که موسسه هنری بانگ آوای سارنگ (بأس) در تولید این آثار نقشی حمایتی در جهت تولید، نشر و پخش این آثار به‌عهده دارد. این گروه متشکل از علی عابدین (سنتور)، مسعود آزین (تار)، سهیل کاکاوند (بم‌تار)، کیارش بکتاشیان (نی)، فردین میرزاحسینی (کمانچه) و کاوه محمدیان (تمبک) از سال ۱۳۹۵ فعالیت خود را در حوزه گروه نوازی موسیقی کلاسیک ایرانی آغاز کرده است.